

در قرآن کریم آیات فراوانی را می‌توان یافت که به‌نحوی با مسئله حکمرانی معاصر و ویژگی‌ها و اقتضائات آن ارتباط موضوعی داشته باشند؛ به‌عنوان مثال، آیه ۲۵ سوره حدید (لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ وَأَنْزَلْنَا الْحَدِيدَ فِيهِ بَأْسٌ شَدِيدٌ وَمَنَافِعُ لِلنَّاسِ وَلِيَعْلَمَ اللَّهُ مَن يَنْصُرُهُ وَرُسُلَهُ بِالْغَيْبِ إِنَّ اللَّهَ قَوِيٌّ عَزِيزٌ) همواره از منظر عدالت اجتماعی مورد تأکید مفسران و متفکران مسلمان بوده و هست. به‌نظر شما آیا از این آیه می‌توانیم برداشتی راهگشا برای قواعد حکمرانی فعلی و وضعیت کنونی کشورمان داشته باشیم؟

بله. اساساً مگر از آیات قرآن کریم انتظاری غیر از این داریم؟!

از آیه یادشده برداشت‌های حداقلی و حداکثری درباره موضوع عدالت وجود دارد. برخی شارحان منظور از قسط را در این آیه، دادوستد صرف بین مردم دانسته‌اند. آیا برای بحث در نسبت این آیه با حکمرانی نیاز است با ارائه تفسیر بدیل به اعتبارزدایی از این تفاسیر دست زد؟ اگر در تفاسیر، این آیه به امر خصوصی فروکاسته شود چگونه می‌توان ارتباط نظری این آیه را با امر عمومی احیا و در منطق دولت بازآفرینی کرد؟

برای اینکه یک معنایی را اثبات کرد، نیاز نیست از معانی دیگر اعتبارزدایی کنیم. قاعده‌ای در علم اصول است که شیخ محمد رضا اصفهانی (شاگرد آخوند خراسانی) در وقایع‌الآذهان به خوبی از آن دفاع کرده و امروزه اغلب آن را قبول دارند و آن این است که «استعمال یک لفظ در بیش از یک معنا مجاز است». براساس این قاعده، یک آیه در آن واحد می‌تواند چند معنای متفاوت و درست داشته باشد و صرف پذیرش یک معنای درست برای یک آیه مستلزم کنار گذاشتن سایر معانی نیست (مگر اینکه بین دو معنا تناقض باشد، که چنین چیزی هم عملاً منتفی است)؛ از این رو این آیه می‌تواند هم ناظر به روابط عادی بین مردم باشد و هم ناظر به قواعد حکمرانی و برای قبول یکی، نیازی به نفی دیگری نیست. (گفتنی است که این بحث با بحثی که امروزه برخی روشنفکران باها عنوان تعدد قرائات مطرح کرده‌اند و در واقع تجویز تفسیر به رأی است، کاملاً تفاوت دارد که اینجا مجال تفصیل آن نیست).

نکته مهم در این آیه نقش مردم در برپایی عدالت است که با تفسیر حداکثری می‌توان آن را عدالت اجتماعی نام‌گذاری کرد. آیا می‌توان با استناد به آیه مذکور، تفسیری از نوع رفتار و کنشگری مردم ارائه داد که در وضعیت فعلی نیز برای حکمرانی مفید واقع شود؟

قوانینی که از آیات قرآن استنباط می‌شود جهان شمول و ازلی و ابدی است و برای تطبیق آن بر اوضاع حکمرانی کنونی نیازی نیست که حتماً تفسیر خاصی از نوع و کنشگری امروزین مردم ارائه شود. به‌ویژه دلالت این آیه دلالت عامی است که اتفاقاً شامل مردم امروز هم می‌شود و نیاز نیست که پیشاپیش تفسیر خاصی از کنشگری مردم امروز را مبنا قرار دهیم.

برخی معتقدند تفسیر و کاربرد مفید این آیه مختص و منحصر به وضعیت انقلابی است و در عصر فعلی حکمرانی نمی‌توان از آن برای بسیج توده‌های آگاه استفاده کرد. آیا دولت فعلی، که نماد حکمرانی در کشور است، می‌تواند با توجه به قدرت برانگیختگی و کنشگری نهفته در این آیه، از آن برای تحقق عدالت استفاده کند؟